

صلح داعشی بر دیگران خانقاً صلح !



پیوسته بگذشته بخش یکصد و هفتم :

سخنان آخیردو خان مینه پال معاون معاون سخنگوی رئیس غنی که از قبل مقام خبرنگاری رادیو آزادی در کندهار و ریاست اطلاعات و فرهنگ آن ولایت را نیز در کارنامه های سیاسی و مطبوعاتی خود دارد سخت جالب و شگفت انگیز است با اینکه ما خود به حساسیت و ظرافت کار مطبوعاتی در مقام معاون معاون سخنگوی رئیس حکومت وحدت ملی آن هم در چنین مقطعی از تاریخ پر تلاطم کشور ما و نیز به قصور و اشتباهاتی که در راه اجرای اوامر ارگ از ایشان سر می زند اعتراف داریم و پی میبریم اما با وصف آن با این آسانی از کنار آن گذشت و سوژه ای با این بزرگی و عظمتی را در یک بخش به اتمام رساند ، لهذا از فرد فردی خواننده گان عزیز خود احترامانه میطلبم تا این قلم را در یک یا دو بخش آینده یادداشت هایم که لابد به مسأله صلح در افغانستان تعلق دارد نیز با غور و دقت مطالعه فرموده یاری رسانند .



چندی است که خانقاه صلح میزبان گروه های مسلح افغانستان شده است ، چنانچه همه عزیزان خواننده ی این یادداشت میدانند این قلم مدتها در نوشته ها و یادداشت هایم بر این نکته تأکید نموده ام که فاجعه و آخر در جامعه ما محصول تغییرات و تحولات "سیا"سی و اجتماعی نه تنها تاریخ افغانستان بلکه آئینه تمام نمای حوادث و وقایع کشورهای دور و نزدیک منطقه و جهان است که بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم با جغرافیای میهن ما تعلق دارند .

<https://www.youtube.com/watch?v=v-Mu1YX2IjU>

جائی نهایت تعجب است که وقتی فرآیند صلح که از جنس پذیرش و انعطاف در برابر مخالفین اندیشه و ایمان است در وجدان عمومی مشخص نه شده باشد دور از انتظار نیست که کسانی هم با فوتوکاپی ساختن ریاکارانه و گفتمان اندیشه های متعلق به حقوق بشر و جامعه مدنی و مردم سالاری در دین مقدس اسلام و یا هم نظام سکولاری که دین اسلام را به مثابه اندیشه و قابل پذیرش در قلمرو حوزه

زندگی خصوصی شهروندان پذیرفته اند وقتی زمینه شرایط همان خشونت و خونریزی برای آنها فراهم آیند پرده سیاه و ریاکارانه از چهره مومیائی شده آنها فرود میریزند و دیگر نه میتوانند از قرئت اسلام به عنوان یک دین رحمانی و دارای جاذبه های عطوفت و مهربانی سخن بگویند در این گونه شرائطی است تمامی رجالی که حقیقت دین بویژه دین مقدس اسلام را بصورت وارونه با نگاه مادی و شرک آلود دین همزیستی تفسیر و تعبیر می کردند با همکاران غیر مذهبی شان یا همان ماده پرستانی که دیانت را با زندگی و حیات بشری از همه مهمتر با عقلانیت و آگاهی در تناقض می بینند و به آرزوها و رویا های مادی شان نه می رسند پس تلاش های فراوان و خستگی ناپذیر در دایره نظام حاکم سرانجام به اصل خویش می پیوندند و به عنوان دیکتاتور های خونریز تاریخ ظاهر میگردند . چنانچه ما دیدیم که استاد عبدالرب رسول **سیاف** که برآستی هم بزرگترین شمشیر زن تاریخ و یکی از نامدارترین رهبران مافیای حاکم با **وجاهت اقتصادی** و "سیا" سی در جامعه افغانستان محسوب میشود آنگاه که از مدیریت وضعیت تاروتاریک جامعه افغانی عاجز می ماند عبای یک دیکتاتور خونریز تاریخ را می پوشند و با اتکای غلط برقرآن کلام خداوند (ج) اینگونه نسخه پیچی می دارد .

https://www.youtube.com/watch?v=o7zEd2mF_dY

می بینید عزیزان ! آیا شما فکر میکنید که جایگاه تاریخی این مرد با چنین ریش و محاسن سفید و با این گونه اظهارات نفرت انگیز کمتر از ابوبکر بغدادی امیر المؤمنین ساخته شده داعشی دست پرورده قرئت شبه سلفی است ؟ من یک پرسش اساسی از نزد تمامی عزیزانی مطرح میکنم که گویا خواستار مشارکت در نظام مافیائی حاکم بر افغانستان شده اند و برای توصل به این هدف استراتژی یک شان جنایت و خیانت را با ترمنولوژی کاملاً جدید توجیه می نمایند آن اینکه آیا این مدعیان صلح حاضرند در یک جامعه ای عادلانه و دموکراتیک با نورم های عقل معاصر در فرآیند انتخابات و تعیین سرنوشت ملتها شرکت جویند ؟ و اصولاً در عصر کنونی راجع به مجازات اعدام چه نظری را دارا اند ؟ من اکیداً باوردارم که در حوزه فکری متعلق با قرئت خاصی از دین اسلام تا وقتی میزان نگاه شان بر حفظ حرمت به انسان بویژه کسانی که مغائر با حقیقت دینی زندگی میکنند استوار نباشد ادعای پایبندی به حقوق بشر و مردم سالاری بدترین دروغی است که برخی از رجال و شخصیت های **"سیا"** **سی** بر وی یک مصلحت به آن متوصل میشوند .

تقابل قرئت دیوبندی و گفتمان شبه سلفی در افغانستان !

وقتی محور اخیر خطبه ء صلح بر تأکید به ارزشهای متعالی دین مقدس اسلام و ارزشهای چهارده ساله ای استوار باشد که ناگزیریم تمامی جنبه های این گفتمان که تعبیر و تفسیر آن در بطن فرآیند صلح بین الافغانی به مشاهده می رسند مختصراً مورد مطالعه قرار دهیم

